

بررسی و تحلیل شخصیت جعفر بن علی در منابع روایی و تاریخی و تاثیر آن بر دوران آغازین غیبت

۱ محسن رحیمی جعفری
۲ زینب رضانژاد کلائی

چکیده

یکی از شخصیت‌هایی که در آغاز غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه له، تضعیف اعتقادی و تردید نسبت به پذیرش امام‌خانی در جامعه شیعه را موجب شد، «جعفر بن علی»، ملقب به «کذاب» است. جعفر به دلیل موقعیت خانوادگی و اجتماعی خود، زمینه ساز انحراف و تحیر در بین شیعیان شد. این نوشتار از طریق جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، با روش توصیفی-تحلیلی، مبتنی بر منابع تاریخی و روایی ساماندهی شده است. سؤال اصلی، چیستی شخصیت جعفر بن علی و تاثیر وی بر آغاز غیبت است. نتایج دلالت دارند که جعفر بن علی در دو بخش «عقیده» و «عمل»، دارای انحرافات چندی بوده است. بررسی تحلیلی-تاریخی شخصیت جعفر بن علی و گستردگی منابع پژوهش پیش‌رو، به یافته‌های جدید در این نوشتار منجر شده است. علاوه بر آن، تاثیر جعفر بر جامعه شیعی در دوران آغازین غیبت در این مقاله، از مباحث کم‌تر پرداخته شده در بحث از شخصیت جعفر است.

واژگان کلیدی: جعفر کذاب، تحیر، نیابت، جعفر تواب، دوران آغازین غیبت، رفتارشناسی.

۱. پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظارپویا (نویسنده مسئول) Rahimi.mohsen0@gmail.com

Zeinab1788@gmail.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ تشیع دانشگاه ادیان و مذاهب قم

مقدمه

مطالعات تاریخی نشان می‌دهند که عده‌ای همچون زید بن علی علیه السلام (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۴۴-۲۴۸)؛ محمد بن عبدالله بن حسن «نفس زکیه» در کوفه (جعفریان، ۱۳۹۱: ص ۶۷) و اسماعیل بن جعفر (مفید، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۲۹۱-۲۹۳)؛ با توجه به برخورداری از جایگاه اجتماعی، سیاسی، موقعیت علمی یا خانوادگی خود؛ نقش مهمی در بزنگاه‌های تاریخی شیعه اثنا عشری داشته و در مواردی، خود یا داعیان آن‌ها تحول و پیدایش جریان‌های فکری جامعه را باعث شده‌اند. یکی از بزنگاه‌های مهم تاریخی شیعه اثنا عشری دوران آغازین غیبت است. با ورود واژه «غیبت» در بیان حضرات معصوم علیهم السلام، از پیچدگی‌های خاص این دوره و چالش‌های پیش روی شیعه پرده برداری شد. کانون اصلی این حیرت و سرگردانی را شناخت و پذیرفتن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بیان کرده‌اند. افزون بر آن، ادعای امامت شخصیتی است از نزدیکان حضرت، به‌عنوان امام که خطری بزرگ برای اعتقاد شیعه داشته است.

یکی از شخصیت‌هایی که می‌توان وی را زمینه‌ساز جریان فکری خاص، در مذهب شیعه در اوایل غیبت صغرا دانست؛ «جعفر بن علی الهادی» است. با توجه به موقعیت خانوادگی جعفر بن علی در آن برهه از تاریخ، توجه ویژه حکومت عباسی به وی و نیز داشتن برخی عقاید خاص، موجب شد تا اولین چالش در جامعه شیعی در دوران آغازین غیبت صغرا به وقوع پیوندد. از آن‌جا که در برخی روایات و نقل‌های تاریخی یکی از موانع بر سر راه شیعیان برای پیوستن و اعتقاد به امام زمان را فرزند امام هادی علیه السلام دانسته‌اند؛ ضرورت پرداختن به این شخصیت بیش از پیش نمایان می‌شود.

بررسی‌ها در زمینه پیشینه موضوع نشان می‌دهد که مطالعه و پژوهش در مورد شخصیت جعفر بن علی، آرا و عقاید خاص وی و همچنین تاثیرگذاری او بر پیدایش جریان‌های فکری؛ همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است.

مطالب مذکور دو گونه است: در برخی منابع، گذرا از جعفر بن علی سخنی به میان آمده است؛ همچون المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری (اشعری، ۱۳۶۱: ص ۳۳۰) و فرق الشیعه نوبختی (نوبختی، بی‌تا: ص ۹۵) که به صورت خیلی کلی به مباحث جعفر پرداخته‌اند. برخی منابع نیز به صورت اختصاصی به شخصیت جعفر پرداخته‌اند؛ همچون کتاب طهر مطهر، نوشته



رفیع الدین رفیعی که از ابتدا تبرئه جعفر بن علی را بنا داشته و به دیدگاه مخالفان نگاه عمیقی نداشته است (رفیعی: ۱۳۹۵). همچنین مقاله «کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفر بن علی الهادی علیه السلام» (شافع و احمدی کچایی، ۱۳۹۶: ص ۵-۲۲)؛ مقاله مذکور بقای انحراف جعفر بن علی و بیش تر جنبه انحراف جعفر را بررسی کرده است. همچنین می توان به مقاله قدرت الله غلمانی «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام» (غلمانی، ۱۳۹۲: ص ۷۷-۹۶)؛ اشاره کرد که مقاله ای توصیفی است و به جنبه های گوناگون جعفر بن علی پرداخته است. ویژگی نوشتار پیش رو، تحلیل شخصیت جعفر بن علی از حیث کذاب بودن یا تواب بودن، به همراه تاثیر وی بر دوران آغازین غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشريف و انحراف شیعیان است.

۱. زیست نامه جعفر بن علی

تمامی گزارش ها در مورد شخصیت جعفر بن علی به صورت پراکنده در کتاب های تراجم (کشی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۹۰)؛ نسب شناسی (فخر رازی، ۱۴۰۹: ص ۷۸) و تاریخ عمومی (مفید، ۱۳۱۴: ج ۲، ص ۳۱۲) بیان شده و البته این منابع بیش تر به انحرافات وی پرداخته اند. با وجود این، درباره فعالیت های وی پس از شهادت امام عسکری علیه السلام و آغاز غیبت صغرا به ابعاد دیگری از شخصیت و زندگانی او، هر چند کوتاه اشاراتی شده است.

جعفر بن علی، مشهور به «ابوعبدالله» از فرزندان امام هادی علیه السلام است. جعفر در منابع شیعی، به دلیل ادعای کذب امامت و همچنین انکار وجود فرزند برای امام عسکری علیه السلام، به «کذاب» مشهور است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۵؛ فخر رازی، ۱۴۰۹: ص ۷۸؛ ابن عنبه، ۱۴۳۰: ص ۱۹۹؛ راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۶۸-۲۶۹؛ طبرسی، بی تا: ج ۲، ص ۳۱۸ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۹). البته جعفر نزد فرزندان و پیروانش به «زکی» و «تواب» ملقب (عرشی، ۱۹۳۹: ص ۵۱ و امین، ۱۴۰۶: ج ۶، ص ۴۲۵) است. از مهم ترین القاب وی «ابوکریم»^۱ است (حبیب آبادی، ۱۳۵۱: ج ۳، ص ۹۸۷؛ عمری، ۱۳۸۰: ص ۱۳۱-۱۳۴ و ابن عنبه، ۱۴۳۰: ص ۱۹۹). در مورد تاریخ

۱. «کر» یعنی شصت و کرتین، یعنی ۱۲۰ که بر کثرت فرزند برای جعفر دلالت می کند. شیخ عباس قمی هم بدین مطلب اشاره کرده است (قمی، ۱۳۷۲: ج ۲، ص ۶۹۰).

دقیق تولد جعفر و سال‌های نخستین دوران زندگی وی اطلاعی در دست نیست. برخی از پژوهشگران معتقدند که جعفر در ۴۵ سالگی، یعنی در سال ۲۷۱ ق وفات یافت (شهرستانی، ۱۳۶۱: ص ۴۵، پاورقی ۱ و غلمانی، ۱۳۹۲: ص ۷۷-۹۶). بر این اساس، تولد وی باید در حدود سال ۲۲۶ ق باشد (العمری = العلوی، ۱۳۸۰: ص ۱۳۴-۱۳۵)؛ اما با توجه به این که برخی از منابع، جعفر را از امام عسکری علیه السلام کوچک‌تر می‌دانند؛ جعفر می‌بایست پس از سال ۲۳۲ ق متولد شده باشد (مفید، ۱۳۱۴: ج ۲، ص ۳۱۴-۳۲۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۲۶ و خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۶). با توجه به روایات متعدد از امام هادی علیه السلام دال بر امامت امام حسن عسکری علیه السلام به عنوان بزرگ‌ترین فرزند زنده (مفید، ۱۳۱۴: ج ۲، ص ۳۱۴-۳۲۰)؛ سال ولادت جعفر بعد از سال ۲۳۲ ق خواهد بود.

بنابر آنچه در منابع آمده، مادر جعفر، غیر از مادر امام حسن عسکری علیه السلام بوده است (اشعری، ۱۳۶۱: ص ۳۳۰). در برخی منابع روایی، از همسر امام هادی علیه السلام به عنوان «حُدیث» (سوسن) یاد شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۳)؛ اما اقدامات جعفر در مقابل حُدیث (ادّعی ارث و تحریک حکومت برای تفتیش منزل امام علیه السلام) (طوسی، ۱۴۲۵: ص ۱۰۶-۱۰۷ و کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۵۰۵)؛ گویای آن است که او مادر جعفر نبوده است (العمری = العلوی، ۱۳۸۰: ص ۳۳۰). برخی منابع تاریخی، مادر جعفر را «حدق» نام برده‌اند که کنیز بوده است (همان).

۲. فرزندان جعفر بن علی

در منابع شیعی، تعداد فرزندان ذکور جعفر را شش یا هشت تن دانسته‌اند (ابن رشد قمی، ۱۳۷۸: ج ۲، ص ۴۶۵). فرزندان جعفر، به دلیل انتساب به امام رضا علیه السلام، به «بنو رضی» (العمری، ۱۳۸۰: ص ۲۱۱؛ نوبختی، بی‌تا: ص ۹۵؛ ابن عنبه، ۱۴۳۰: ص ۱۸۹؛ قمی، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۱۶۳؛ طوسی، ۱۴۲۵: ص ۱۴۲ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۲۶۱)؛ یا «رضویون» (ابن عنبه، همان: ص ۱۹۹)؛ مشهورند. از فرزندان مشهور جعفر، می‌توان به ابورضا محسن بن جعفر (که در ایام المقتدر بالله عباسی در دمشق به سال ۳۰۰ خروج کرد) و همچنین به عیسی بن جعفر (فردی عالم، فاضل و استاد ابو محمد هارون بن موسی تلعبیری) اشاره کرد (قمی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۸۹۴). فخر رازی اسامی بیش‌تر فرزندان جعفر را در کتاب «شجره مبارکه» بیان کرده است



۳. دیدگاه معصومان علیهم السلام درباره جعفر بن علی

از آن جا که معصومان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا امام عصر عجل الله فرجه الشريف، همواره رهبری دینی و دنیوی جامعه را بر عهده داشته‌اند؛^۱ بر خود لازم می‌دانستند. در بزنگاه‌ها و مقاطع حساس، حتی قبل از وقوع (حادثه‌ای که خطر انحراف جامعه از مسیر درست احتمال داده می‌شود)؛ از سوی آنان هشدار لازم داده شود تا جامعه اسلامی در فتنه‌ها، مسیر هدایت را به سلامت بپیماید. درباره شخصیت جعفر نیز، روشنگری ائمه را به خوبی می‌توان ملاحظه کرد. به این دلیل که جعفر بن علی از بستگان درجه اول خاندان امامت بوده و در برهه‌ای از تاریخ حیات خود، ادّعی امامت کرده است؛ به یقین این فرد باید مورد توجه معصومان علیهم السلام قرار گرفته و صحت و سقم ادّعی وی به شیعیان گوشزد گردد. براساس گواهی‌های تاریخ، حتی قبل از تولّد جعفر بن علی، معصومان علیهم السلام، درباره وی بیاناتی داشته‌اند که خطر انحرافات اعتقادی و اخلاقی وی به امامیه گوشزد شده است. البته این خطر از سوی جعفر برای جامعه امامیه، به دلیل این که وی از نزدیکان خاندان امامت است، حساسیت بیش‌تری داشت؛ زیرا احتمال فراوان بود که عده‌ای از افراد سطحی نگر به دلیل این انتساب، رفتار و کردار جعفر را صحیح بدانند و او را الگوی مناسبی برای خود در امور دینی و اعتقادی قرار دهند. تأکید ائمه علیهم السلام بر بیان انحرافات جعفر و خطر او برای امامیه، به قبل و بعد از ولادت وی مربوط بوده؛ اما پس از ولادت و هویدا شدن کردار و رفتار منحرف وی، برخورد معصومان علیهم السلام شدیدتر گردید.

۱. در تعریف عام «امامت» گفته شده است: «امام کسی است که دارای رهبری عمومی در مسائل دینی و دنیوی باشد» (التعريفات، جرجانی، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۲۸ و قواعد المرام فی علم الکلام، بحرانی، ۱۴۰۶: ج ۱، ص ۱۷۴). در تعریف خاص امامت گفته شده است: «امامت، رهبری عمومی در امور دین و دنیا و برای فردی از افراد به عنوان نیابت از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است» (باب الحادی عشر، حلی، ۱۴۱۳: ج ۱، ص ۶۶ و ارشاد الطالبین، الفاضل المقداد، ۱۴۰۵: ج ۱، ص ۳۲۵-۳۲۶). یکی از وظایف امام: «محافظت و پاسداری از کیان آموزه‌های دینی و جلوگیری از وقوع تحریف و بدعت در آن‌ها است» (سبحانی، جعفر، الالهيات، ۱۴۱۲: ج ۴، ص ۱۶، انتشارات مرکز العالمی للدراسات الاسلامیه).

الف) روایات مربوط به پیش از تولد

متن و فحوای روایاتی که پیش از تولد جعفر درباره وی بیان شده، کاملاً یکسان‌اند. عمده این روایات از رسول اکرم ﷺ و امام سجّاد علیه السلام است که مهم‌ترین آن‌ها در منابع معتبر شیعی، از جمله کمال الدّین و تمام النعمه شیخ صدوق و الخرائج و الجرائح قطب الدّین راوندی نقل شده‌اند. همچنین طبرسی در اعلام الوری این‌گونه آورده است که امام سجّاد علیه السلام می‌فرمایند:

... پدرم از پدرش و او نیز از رسول اکرم ﷺ روایت کرده است: زمانی که فرزندم، جعفر بن محمد متولد شد او را «صادق» بنامید؛ چرا که پنجمین نسل از فرزندان او متولد می‌شود که نام او نیز جعفر است و ادّعی امامت می‌کند و بر خداوند دروغ می‌بندد و او نزد خداوند، «جعفر کذاب» است... با پدرش مخالفت می‌کند و بر برادر خود حسادت می‌ورزد... گویا جعفر کذاب را می‌بینم که طاغوت زمانش را برای تفتیش امر ولی الله وادار می‌کند. جعفر به ولادت آن حضرت جاهل و ناآگاه است و اگر به او دست یابد، به قتل او حریص و به میراث او چشم طمع دوخته است تا آن‌که آن‌ها را بدون حق بگیرد و تصاحب کند (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۹۴).

همچنین امام سجّاد علیه السلام در جواب راوی که پرسید: یابن رسول الله! آیا این امر واقع می‌شود؟ فرمود: «بله به خدا سوگند این مکتوب است در صحیفه‌ای که در پیش ماست و در آن صحیفه هر چه از سختی‌ها پس از رسول خدا ﷺ بر ما می‌گذرد، مذکور است» (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۹۵؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۲۴۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۷۲ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۶۸-۲۶۹).

ب) روایات مربوط به بعد از ولادت

از آن جا که جعفر بن علی، امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام عصر علیه السلام را درک کرده است، در این بند می‌توان کلام این سه امام درباره وی را مورد بررسی قرار داد. با توجه به تلاش‌های جعفر در ادّعی امامت، هر یک از معصومان علیهم السلام به تناسب انحرافات جعفر با وی برخورد کرده است.

جعفر تا دوره جوانی خود را در زمان حیات پدر سپری کرد و در زمان شهادت امام هادی علیه السلام در سال ۲۵۴ ق، ۲۸ سال داشت. شیخ صدوق نقل می‌کند:



هنگامی که جعفر متولد شد، همه اهل خانه به جز امام هادی علیه السلام خوشحال بودند. درباره علت عدم خوشحالی امام از ایشان سؤال می‌شود؛ امام در پاسخ می‌فرماید: «او خلق فراوانی را گمراه خواهد کرد» (مسعودی، ۱۳۶۲: ص ۲۳۹؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۲۶ و ابن عبد الوهاب بی‌تا: ص ۱۳۲).

در منابع تاریخی چنین آمده که جعفر در دوره جوانی، با افرادی که از سوی امام هادی علیه السلام طرد شدند؛ طرح دوستی ریخته بود و همین رویکرد و دوستی با افراد مورد لعن امام هادی علیه السلام، یکی از عوامل انحراف وی شمرده شده است. از این‌رو، امام هادی علیه السلام به یارانش چنین دستور می‌دهد:

از پسر، جعفر اجتناب کنید. او برای من به منزله پسر نوح است (معروف الحسینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۵۳۴)؛ که خداوند در مورد او فرمود: «ای نوح! او از کسان تو نیست؛ که آن، عملی غیر صالح است» (هود: ۴۲ و خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۱-۳۸۲). همچنین در جایی دیگر چنین فرمود: «همانا جعفر دشمن است؛ اگر چه فرزند من است... حسن امام بعد از من است» (همان، ص ۳۲۰) و نیز فرمود: از تعالیم دین خارج است و زیر بار فرمان من نیست (صدر، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۲۹۹).

بعد از شهادت امام هادی علیه السلام و در زمان امامت امام عسکری علیه السلام؛ از آن‌جا که جعفر در غضب مقام امامت طمع کرده بود، با امام عسکری علیه السلام رفتاری خصمانه داشت. امام عسکری علیه السلام نسبت بین خود و جعفر را مانند رابطه فرزندان حضرت آدم دانسته و فرمودند:

به خدا سوگند مثل من و او، مثل هابیل و قابیل از فرزندان آدم است، آن‌جا که قابیل نسبت به آنچه خداوند از فضلش بر هابیل بخشیده بود، بر هابیل حسد ورزید و او را به قتل رسانید و اگر برای جعفر هم زمینه‌اش آماده بود، مرا به قتل می‌رساند؛ اما خواست خدا چنین نیست که او به این امر موفق گردد (خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۲).

بعد از شهادت امام عسکری علیه السلام، جعفر بر ادعای امامت خود مصمم‌تر شد؛ به‌گونه‌ای که درصدد برآمد از طریق مکاتبه با شیعیان، نظر آنان را به خود جلب کند. با این انگیزه نامه‌ای به احمد بن اسحاق قمی فرستاد و از وی اموال اهالی قم را طلب کرد. احمد نیز نامه‌ای به محضر امام عصر علیه السلام نوشت و نامه جعفر را بر آن الحاق کرد و از حضرت درباره خواسته جعفر پرسید. پس از مدتی جواب نامه از سوی امام علیه السلام رسید که ایشان در بخشی از نامه، به موضوع جعفر



اشاره کرده بودند:

او ... با عملش بر خدا دروغ بسته و نمی‌دانم به چه چیزی امید داشته که چنین ادعایی کرده است؟! آیا با آگاهی و فقهتتش در دین؟! ... یا به علم و دانشش که حتی اندازه نماز و اوقات آن را نمی‌دانند! یا به پرهیزکاری اش؟! ... چهل روز نماز واجب را ترک کرد ... و مشروبات در خانه‌اش نهاده است ... یا به دلیل آیه و نشانه‌ای؟! ... یا اگر حجّتی دارد، پس آن را اقامه کند؛ یا اگر دلیل و برهانی دارد، آن را متذکر شود... او را آزمایش کن و از او بپرس تا یک آیه از قرآن را تفسیر کند ... تا قدر و منزلت او را بشناسی و کمبودها و زشتی‌هایش بر تو آشکار شود. خداوند ... از این که امامت و پیشوایی را در دو برادر - جز امام حسن و امام حسین علیهما السلام - قرار دهد؛ خودداری کرده است ... (صدوق، ۱۳۶۱: ص ۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۸۷، ح ۲۴۶؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۶۸ و اربلی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۲۴).

۴. رفتارشناسی جعفر بن علی

به گواهی منابع، جعفر برای یاد گرفتن سحر و جادو، چهل شبانه روز نماز واجبش را ترک کرد و در این مدت آشکارا محرمات را مرتکب می‌شد (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۶ و ۲۹۰؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۷۰). همچنین نقل کرده‌اند، آن قدر به شرب خمر اصرار داشت که به «زق الخمر» (ظرف شراب) شهرت یافته بود (خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۲۸ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۶۸۲). این نکته قابل تأمل است که چگونه برخی شیعیان، شخصی را که آشکارا مرتکب فسق و فجور می‌شود، به امامت پذیرفتند؟! به‌ویژه آن که در منابع آمده است، دانشمندانی همچون «علی بن حسن فضّال» (جاسم، ۱۳۸۵: ص ۱۰۶) و «علی طاحن» (نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۰۷-۱۱۹ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۵۵-۵۷ و ۱۳۵) به جرگه طرفداران وی پیوستند!

ممکن است این نکته مطرح شود که، این گزارش‌ها تنها می‌تواند به امامیه منسوب باشد؛ چرا که بروز این‌گونه رفتارهای ناشایست، قاعدتاً موجب دل‌زدگی پیروانش می‌گردد. در نتیجه این احتمال وجود دارد که این اتهامات از دشمنی میان شیعیان امامیه و پیروان جعفر نشأت گرفته باشد؛ چنان که در مقابل، پیروان جعفر نیز نسبت به امام عسکری علیه السلام و یاران وی القاب و نسبت‌های ناشایستی به کار می‌بردند (شافع مهرآبادی و احمدی کچایی، ۱۳۹۶: ص ۵-۲۲).



در پاسخ گفته می‌شود، نه تنها از امامیه، حتی برخی از پیروان امامت جعفر به انحراف اخلاقی وی در جوانی اذعان دارند و ضمن پذیرش انحراف‌های وی در این دوره (با تمسک به عنوان مقتضیات جوانی)، در پی جبران این نقد برآمده و گفته‌اند که هر چند جعفر در جوانی دارای انحراف‌های اخلاقی بوده است؛ بعدها که به مقام امامت نایل آمد، از این اعمال و رفتارهای ناشایست به‌طور کامل دست شست! (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۸: ص ۲۲). البته این ادعای دست برداشتن جعفر از این اعمال نادرست در هیچ منبعی تأیید نشده است.

به این نکته باید توجه کرد که امامان معصوم علیهم‌السلام، اگر چه همواره وظیفه تربیت و هدایت جامعه را بر عهده داشتند؛ بنا بر تصریح قرآن «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ» (تحریم: ۶)؛ به تربیت خاندان و افراد نزدیک خود بیش‌تر اهمیت می‌دادند. از این‌رو، با توجه به آگاهی کامل معصومان علیهم‌السلام به روش‌ها و مسائل تربیتی، غالب فرزندان و فرزندزادگان آنان، افرادی صالح، وارسته، پارسا و دارای فضایل والای اخلاقی و معنوی بوده‌اند. در عین حال، تربیت صحیح، مانع آزادی و اختیار در انتخاب راه نیست؛ چنان‌که احتمال دارد افرادی که از زمینه تربیت صحیح در خانواده برخوردارند، بر اثر عدم مراقبت و عدم رعایت مسائل اخلاقی و اعتقادی به انحراف و گمراهی کشیده شوند. پیامبران و امامان با این‌که در تربیت فرزندان خود بر اساس موازین صحیح تربیتی و الهی تلاش و اهتمام داشته‌اند؛ بعضی از فرزندان ایشان بر اثر حسادت، حبّ مقام، دوستی با افراد گمراه و یا دسیسه‌های مادرانشان دچار انحراف شدند. از این‌رو، برخی از فرزندان و بستگان پیامبران و امامان، با وجود ارتباط با خلفای الهی از راه راست منحرف گشته‌اند؛ همانند قابیل فرزند آدم علیه‌السلام، کنعان فرزند نوح علیه‌السلام و پسران یعقوب علیه‌السلام. در خاندان امامت هم افرادی مانند نامبردگان ذیل از منحرفان روزگار خویش بوده‌اند:

۱. حسن افطس^۱، فرزند علی اصغر بن علی بن الحسین علیه‌السلام؛

۱. «حسن» را بدین دلیل «افطس» می‌گفتند که قصبه بینی وی پهن و منبسط بود و هیچ ارتفاعی در قصبه انف نداشت. گویند این انتشار و انفراس بینی وی مادرزاد بوده است و عرب چنین کسی را از مردان «افطس» و از زنان «فطساء» گویند. از این‌جا است که اعقاب، اولاد و احفاد حسن افطس را «بنو الافطس» یا «افاطسه» می‌نامند (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ص ۲۵۳؛ نویختی، ۱۹۶۹، ص ۶۸؛ شوشتری، ۱۴۱۰: ج ۶، ص ۲۹۴ و خویی، ۱۴۰۳: ج ۱۰، ص ۱۴۴).

۲. عبدالله افطح^۱، فرزند فرزند امام صادق علیه السلام؛
 ۳. محمد بن اسماعیل و برادرش علی^۲، دو نوه امام صادق علیه السلام؛
 ۴. محمد بن جعفر (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۲، ص ۶۳۲)، فرزند امام صادق علیه السلام؛
 ۵. زیدالتار (مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۴۳، ص ۲۳۱)، برادر امام رضا علیه السلام؛
 ۶. جعفر بن علی فرزند امام هادی علیه السلام (مسعودی، ۱۳۶۲: ص ۴۴۷).
- بررسی، مهم‌ترین عوامل انحراف چنین افرادی را می‌توان چهار عامل مهم دانست که عبارتند از:

الف) همنشینی با بدان

بسیار دیده می‌شود که حتی افرادی که از زمینه تربیت صحیح برخوردارند، بر اثر «دوستی با افراد ناشایست» به انحراف کشیده شده‌اند. انحراف برخی از فرزندان ائمه به همین دلیل بوده است. این موضوع یکی از نکات مهم در روابط اجتماعی است که قرآن کریم در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره «فرقان» آن را مورد تأکید و توجه قرار داده است. همچنین امام علی علیه السلام در مورد اهمیت این نکته فرمودند: «ایاک و معاشره الاشرار فاتهم کالتار مباشرتها تحرقتما؛ از معاشرت با بدان دوری کن؛ چرا که آن‌ها همانند آتش اند که نزدیک شدن به آن می‌سوزاند» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۱۶۶).

جعفر بن علی نیز از طریق دوستی و همنشینی با افراد ناشایست، از جمله فارس بن حاتم و طرفداران او (امینی، ۱۴۱۶: ج ۵، ص ۲۴۹)؛ علی بن طاحی الخزاز (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۹۹-۲۰۰ و نوبختی، ۱۹۶۹: ص ۱۰۷-۱۰۸)؛ همچنین همنشینی و ارتباط با دستگاه خلافت عباسی (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۷۴ و هاشم معروف، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۵۳۴-۵۳۵)؛ از مسیر امامت منحرف شد و به جرگه همنشینان خویش پیوست.

۱. «افطح» به معنای پهن پا، پهن سرو یا پهن بینی است (همان).

۲. امام کاظم علیه السلام می‌دانست که علی درازای پول هرکاری می‌کند. لذا برای او ۳۰۰ دینار و ۴۰۰ درهم توسط برادرش، محمد بن جعفر فرستاد و برایش پیام داد که «اجعل هذا فی جهازک ولاتؤتم ولدی؛ این پول را به عنوان خرج سفر، با خودت ببر، و فرزندانم را یتیم نکن» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۴۸، ص ۲۱۰).

ب) نقش حسادت در انحراف جعفر بن علی

«حسادت» از جمله عوامل انحراف افراد است و در مورد جعفر بن علی نیز این نکته امری مسلم است. حسود حاضر است برای نابودی محسود، حتی خود را به هلاکت برساند! در ذیل روایتی از امام سجّاد علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره جعفر بن علی، چنین ملاحظه می‌شود: «... الحاسد لآخیه...؛ او نسبت به برادرش حسادت ورزید» (حائری یزدی، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۹۹). امام صادق علیه السلام فرمود: «لیس منّا الّا له عدو من اهل بیته؛ همه خاندان ما دشمنی در میان بستگان خود دارند» (بحرانی، ۱۳۸۲: ج ۱۸، ص ۲۶۶). شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: آیا فرزندان امام حسن علیه السلام نمی‌دانند که امامت از آن کیست؟ امام صادق علیه السلام در پاسخ فرمود: «می‌شناسند؛ ولی خصلت حسادت، آن‌ها را از پذیرفتن حق باز می‌دارد» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۸: ص ۱۸۵-۱۸۶).

صفت «حسادت» انسان را در چنبره خود محصور می‌کند تا جایی که فرزند امام هادی علیه السلام را به انکار امامت امام عسکری علیه السلام و انکار وجود و امامت امام عصر رضی الله تعالی عنده وا می‌دارد. به همین دلیل است که از منظر امیرالمومنین علیه السلام حسادت، سرچشمه و منشا زشتی‌ها و ناپسندی‌ها و «رأس العیوب» سرچشمه زشتی‌ها عنوان شده است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ج ۱، ص ۳۹۹).

ج) نقش جاه‌طلبی در انحراف جعفر

یکی دیگر از عوامل انحراف افراد؛ «دلبستگی به مقام» است. این صفت مهلک، بسیاری از افراد، حتی برخی از فرزندان امامان را به انحراف کشید. عبدالله افطح، فرزند امام صادق علیه السلام، با این که از امام شنیده بود که امام بعد از من موسی کاظم است (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۳۶۳)؛ با جاه‌طلبی و شهوتِ مقام‌خواهی خود را جانشین امام دانست!

جعفر نیز به دلیل حبّ مقام و ریاست، ادّعا کرد که جانشین برادرش، امام عسکری علیه السلام است و از همین رو، وجود امام عصر رضی الله تعالی عنده را منکر شد.

د) نقش حرص و طمع در انحراف جعفر

یکی از مهم‌ترین اسباب و دلایل انحراف بسیاری از افراد؛ خصوصاً فرزندان منحرف امامان، مال‌دوستی و حرص فراوان در تأمین منافع مادی و دنیوی بوده است. به عنوان نمونه،

محمد بن اسماعیل، نوه امام صادق علیه السلام برای جلب نظر هارون، او را علیه عمویش، امام کاظم علیه السلام تحریک کرد و در ازای این کار، هارون به او صد هزار درهم هدیه داد (شهرستانی، ۱۳۶۴: ج ۱، ص ۱۹۷).^۱ همچنین علی بن اسماعیل، برادر محمد، با این که امام کاظم علیه السلام از نظر مالی وی را تأمین می کرد؛ باز نزد هارون می رفت و او را علیه امام کاظم علیه السلام تحریک می کرد. هارون در ازای این کار دویست هزار درهم به وی جایزه داد (مفید، ۱۳۱۴: ج ۲، ۲۲۹)؛ یا علی بن ابی حمزه بطائی، وکیل امام کاظم علیه السلام که به خاطر حرص و طمع از اموالی که نزدش بود، امامت امام رضا علیه السلام را انکار کرد و متوقف بر امام کاظم علیه السلام و به غیبت ایشان قائل شد (سلیمی زارع، ۱۳۸۷: ص ۱۱۱-۱۳۴).

طمع جعفر بن علی را در کسب اموال و امکانات امام، می توان در جریان درخواست وی از وکلا و نمایندگان امام، مبنی بر ارسال اموال برای وی و همچنین تملیک ارث امام عسکری علیه السلام دریافت و مدعی شد یکی از انگیزه هایی که جعفر را در ادعای دروغین، یا به عبارت دیگر، در انحراف خود مصر و پا برجا می ساخت؛ دستیابی به اموال و ثروت بوده است (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۱۶۰ و کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۳۳۱).

۵. انکار احکام و عقاید اسلامی و مخالفت با فقه امامیه

جعفر بن علی، برخی از احکام و عقاید اسلامی را آشکارا زیر پا می گذاشت و علنا و عملا با فقه امامیه مخالفت می ورزید. در ادامه به مصادیقی در این زمینه اشاره می گردد:

الف) روی گردانی از حرمت شرابخواری

چنان که بیان شد، یکی از القاب معروف جعفر، «زق الخمر» یا همان «ظرف شراب» بود. این لقب بر استمرار وی بر شرابخواری دلالت دارد. مهم ترین اخباری که به شرابخواری جعفر اشاره می کنند، عبارتند از:

۱. شیخ طوسی از سعد بن عبدالله و او از چند نفر، از جمله ابوهاشم داوود بن قاسم جعفری نقل می کند که به دلیل قتل عبدالله بن محمد عباسی، در زندان به سر می بردیم. شبی در زندان

۱. پاورقی ۲، به نقل از فرق الشیعه نویختی.

بودیم که امام حسن عسکری علیه السلام و جعفر را دستگیر کردند و به زندان آوردند. در این حال، جعفر در کنار برادرش نشسته بود. کم کم آثار مستی وجودش را فراگرفت و با صدای بلند گفت: «وا شطناه!» [= نام کنیز خود]. امام بر او ناراحت شد و فرمود: «ساکت باش» (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۲۷ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۶۸۲).

۲. شیخ صدوق در مورد ورود عده‌ای از اهالی قم به سامرا (پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام)، نقل می‌کند که اهل این کاروان وقتی سراغ امام را گرفتند، به آنان خبر داده شد که امام عسکری علیه السلام از دنیا رفته‌اند. در این هنگام آنان از جانشین و وارث آن حضرت سؤال کردند که آنان را به جعفر ارجاع دادند. در ادامه، اهالی قم درباره جعفر مطالبی پرسیدند؛ از جمله این که در حال حاضر جعفر کجاست؟ در پاسخ به آنان گفته شد، جعفر در کنار رود دجله همراه آوازه خوانان مشغول شرابخواری است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۷).

۳. همچنین شیخ صدوق در جایی دیگر، به نقل از اهالی خانه جعفر روایت می‌کند که وی لباس زنانه می‌پوشد و برای او تار و تنبور می‌نوازند و او شراب می‌خورد (خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۲).

۴. از مهم‌ترین گزارش‌هایی که به شرابخواری جعفر دلالت دارند، توقیع شریف امام عصر علیه السلام است که در این توقیع، با صراحت درباره صدور این عمل قبیح از جعفر، سخن آمده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۵۱۰).

ب) روی گردانی از نماز، بنیان انحرافی دیگر

از دیگر اموری که به جعفر نسبت داده شده ترک نماز است. انگیزه او از ترک نماز ایجاد مقدمات آموزش سحر و جادو عنوان شده است. لذا جعفر چهل شبانه‌روز نماز واجبش را ترک کرد! مهم‌ترین سند این مدعا، متن توقیع امام عصر علیه السلام است (صدوق، همان؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۶ و ۲۹۰؛ طبرسی، بی‌تا: ج ۲، ص ۴۷۰ و اربلی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۲۴).

ج) روی گردانی از فقه شیعه

در وصیت‌نامه‌ای که از امام عسکری علیه السلام برجای مانده، از مادر خود، به عنوان وارث اموال حضرت نام برده شده است؛ اما چنان که منابع تاریخی بیان می‌کنند، بعد از شهادت امام



عسکری علیه السلام، جعفر به رغم زنده بودن مادر امام، مدعی میراث برادر شد که این مطالبه مطابق فقه اهل تسنن است؛ زیرا براساس فقه اهل تسنن، اگر امام عسکری بدون فرزند درگذشته بود، ارث باید میان مادر و برادرش تقسیم می‌شد؛ اما طبق فقه امامیه، والدین جزء طبقه اول هستند و با وجود حتی یک تن از طبقه اول، به هیچ یک از طبقات دیگر ارث نمی‌رسد (صدوق، ۱۳۷۷: ص ۱۷۱؛ همان، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷-۵۸). اختلاف میان جعفر و مادر امام بر سر این مسئله بالا گرفت و سرانجام جعفر از مادر امام، به دستگاه حکومت عباسی شکایت کرد. این نیز یکی از انحرافات جعفر از احکام فقهی مذهب تشیع است؛ زیرا براساس مبانی مذهب امامیه، مراجعه به قضاوت حاکم جائز، حتی اگر حق با صاحب مال باشد؛ جایز نیست (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۱، ص ۶۷، و ج ۷، ص ۴۱۱-۴۱۲؛ ابن حیون المغربی، ۱۳۸۵: ج ۲، ص ۵۳۰؛ طوسی، ۱۴۰۷: ج ۶، ص ۳۰۱-۳۰۳؛ صدوق، ۱۴۱۳: ج ۳، ص ۲-۴ و عیاشی، بی تا: ج ۱، ص ۲). این نزاع به مدت دو سال ادامه یافت و سرانجام ماترک، برخلاف فقه امامیه تقسیم شد (صدر، ۱۴۱۲: ج ۱، ص ۳۱۴).

لازم است در مورد وصیت امام حسن عسکری علیه السلام به مادرشان، این مطلب مطرح و پاسخ داده شود: «تمام تاریخ‌نویسان شیعه نوشته‌اند حسن بن علی مادرش را که نامش «حدیث» و کنیه‌اش «ام‌الحسن» بوده است، در تمام اموال و وقف‌هایش، وصی خود قرار داده و در آن وصیتنامه، از پسری که به دنیا آمده و یا به دنیا خواهد آمده است، نامی به میان نیاورده و این مطلب شاهد دیگری بر بطلان ادعای امامیه است» (مفید، ۱۳۶۰: ص ۲۰، شبهه سوم).

شیخ مفید در پاسخ می‌گوید: ... این انتقاد سست و بی‌اساس بوده و چیزی نیست که بتوان به آن در انکار کردن فرزند حسن بن علی علیه السلام، اعتماد و اطمینان کرد، به این دلیل که وصیت امام حسن عسکری علیه السلام به مادرش، مؤید این مطلب است که وی می‌خواسته ولادت و وجود فرزند خود را پنهان داشته و از ریختن خونس جلگیری کند؛ زیرا اگر در وصیت، از فرزند خود نام می‌برد و یا شخصا به او وصیت می‌کرد؛ بدون تردید نقض غرض می‌شد و مقصود عالی و هدف نهایی که حفظ کردن مهدی عجل الله تعالی فرجه الترتیب برای زمان لازم و مناسب بود، به دست نمی‌آمد؛ و لذا آن حضرت مجبور شد؛ اسامی درباریان مخصوص خلیفه، مانند «مولای واثق»، «مولای محمد بن مأمون»، «فتح بن عبدربه»، از شهود معروف زمان را در وصیتنامه درج کند تا وصیت از نظر دولت عباسی، معتبر تلقی شود و موجب حساسیت آنان نسبت به فرزندش و سبب کوشش آنان برای پیدا



کردنش نشود (همان، ص ۵۳-۵۴).^۱

۶. جعفر و دوران آغازین غیبت

تبیین تاثیر جعفر بن علی در آغاز غیبت بر ذکر چند مطلب مبتنی است:

۱. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، آغاز غیبت امام دوازدهم و پیشامدهای مربوط به آن، از مهم ترین مسائل پیش روی امامیه بود. فقدان امام حاضر، سبب سرگردانی و چند دستگی آنان شد، تا جایی که به گفته نوبختی، شیعیان امام یازدهم علیه السلام در مواجهه با مسئله امام پس از ایشان، به ۱۴ فرقه مختلف منشعب شدند (نوبختی، ۱۳۸۶: ص ۸۴).

۲. از سویی، پیروان دیگر فرقه های مخالف شیعه نیز با مطرح کردن شبهات علیه امامیه، سرگستگی حاکم بر جامعه را دو چندان کردند، تا جایی که به تعبیر نعمانی، «شکوا جمیعا إلا القلیل فی امام زمانهم؛ جمیع مردم مگر عده قلیلی در امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف شک کردند» (نعمانی، ۱۴۲۲: ص ۲۸).

۳. معصومان علیهم السلام، از رویارویی شیعیان با پیشامدهای سخت روزگار غیبت خبر داده و به عدم لغزش در حوادث پیش روی آنان هشدار داده بودند؛ چنان که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «... تَكُونُ لَهُ غَيْبَةٌ وَ حَيْرَةٌ حَتَّى تَضِلَّ الْخَلْقُ عَنْ أَدْيَانِهِمْ...» (ابن بابویه، ۱۴۰۴: ص ۱۱۹-۱۲۰ و محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ج ۳، ص ۸۶-۹۳).

۴. امام عسکری علیه السلام در يك سالگی به همراه پدرش به شهر عسکر انتقال داده شد و احتمالاً تا زمان شهادت از این شهر بیرون نرفت و از این رو، همواره تحت نظارت شدید حکومت قرار داشت. با وجود چنین شرایط سختی، جاسوسان حکومتی نیز در پی یافتن نکته ای از امام و یا ارتباط ایشان با شیعیان بودند تا اسباب گرفتاری بیش تری را برای ایشان فراهم کنند (طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۲۷؛ اربلی، ۱۳۸۲: ج ۳، ص ۲۰۵ و جعفریان، ۱۳۷۸: ص ۵۴۴). ایشان در یکی از

۱. مرحوم مفید در ادامه، وصیت امام صادق علیه السلام (که آن حضرت چهار نفر را وصی خود قرار داد، اول «منصور» خلیفه مقتدر وقت؛ دوم «ربیع» وزیر دربار خلیفه؛ سوم همسرش «حمیده بربری» و چهارم پسرش «موسی» و این چهار نفر را بر همه اموال و اوقافش مسلط کرد) را شاهد می آورد.

نامه‌های خود به یارانش، هدف عباسیان را از این کارها، گشتن خویش و قطع کردن نسل ایشان و سلسله امامت اعلام کرده است (صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۰۷).^۱

با توجه به موارد چهارگانه مذکور و این نکته که عرب‌ها معتقد بودند ویژگی‌های بدنی، فضایل و سجایای اخلاقی از طریق وراثت منتقل می‌شود و شرافت ارثی را از شرافت اکتسابی شریف‌تر می‌دانستند؛ این شرافت موروثی، در رتبه اجتماعی بالایی قرار داشت؛ به طوری که حتی حکام سیاسی در رتبه چهارم قرار داشتند و اولین رتبه به خاندان هاشم بن عبد مناف در میان قریش مربوط بود؛ تا جایی که بعد از رحلت پیامبر ﷺ برای جانشینی ایشان عقیده تقدیس ارثی در سخن خلیفه اول و دوم در سقیفه کاملاً مشهود است. لذا بعدها هم بنی عباس با همین سنت برتری فرزندان عباس بر امیه، پرچم خود را برافراشتند.

از این رو، امام علی علیه السلام که از بنی هاشم و هم تبار پیامبر ﷺ و همچنین دارای وراثتی همانند پیامبر ﷺ بود؛ نسل اهل بیت علیهم السلام از ایشان به وجود آمد (محمدجعفری، ۱۳۸۶: ص ۱۵-۳۲). از آن جا که جعفر در همین تبار قرار داشت، این امتیاز پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام او را در اولین رتبه آن زمان قرار داده بود و این رتبه، زمینه‌ساز پذیرش جانشینی جعفر قرار گرفت.

البته چنین ادعایی مسبوق به سابقه بود؛ اما به یک نکته و در واقع تفاوت مهم رویکردی باید توجه کرد و آن این که اگر محمد بن حنفیه را مهدی خواندند، خود چنین ادعایی نداشت؛ اگر زید بن علی علیه السلام را مهدی خواندند، خود مدعی چنین منصبی نبود؛ اگر اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام را مهدی خواندند، خود مدعی نبود و اگر محمد بن علی النقی علیه السلام را امام خواندند خود مدعی امامت نبود. دیگر نقطه مشترک همه آن‌ها این بود که هیچکدام در زمان ادعا در قید حیات نبوده و یا در بین مردم حضور نداشتند؛ اما جعفر بن علی، هم خود مدعی امامت و هم در زمان این ادعا، در بین مردم زندگی می‌کرد. در نتیجه تأثیر بسزایی بر انحراف عقیدتی شیعیان در دوران آغازین غیبت گذاشت تا جایی که شخصیت‌های بزرگ شیعه، چون ابوالادیان

۱. حدثنا علي بن عبد الله الوراق قال حدثنا سعد بن عبد الله قال حدثني موسى بن جعفر بن وهب البغدادي: «أنه خرج من أبي محمد عليه السلام توقيع زعموا أنهم يريدون قتلي ليقطعوا هذا النسل وقد كذب الله عز وجل قولهم والحمد لله».

(صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۷۵) و احمد بن اسحاق (طبرسی، بی تا: ج ۲، ص ۴۶۸) و تعدادی از شیعیان (همان) به شک افتاده و حتی به جعفر بن علی، به عنوان تنها بازمانده خاندان اهل بیت علیهم السلام تسلیت و به ایشان، به عنوان جانشین امام حسن عسکری علیه السلام تهنیت گفتند (امین، ۱۴۰۶: ج ۲، ص ۴۳ و صدوق، همان). البته شخصیت هایی چون احمد بن اسحاق و ابوالادیان با در دست داشتن ملاک های امامت به راحتی کذاب بودن جعفر را تشخیص دادند (راوندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۱۱۰۴ و مجلسی، ۱۳۶۳: ج ۵۲، ص ۴۷-۴۹)؛ ولی عموم مردم در حیرت سنگینی قرار گرفتند.

۷. بررسی دیدگاهها درباره سرانجام جعفر

۱. برخی بر این باورند که جعفر برای رسیدن به مقامی که هرگز شایسته آن نبود، تلاش فراوانی کرد و با این اعمال، باعث آزار امام هادی علیه السلام، امام عسکری علیه السلام و امام عصر رضی الله عنه شد؛ اما در آخر از کردار خود پشیمان گردید و توفیق توبه یافت (مفید، ۱۴۱۳: ص ۶۲ و ابن عنبه، ۱۴۳۰: ص ۱۸۰).

مطلبی که مقوله توفیق توبه و بازگشت جعفر را تقویت می کند و مورد استناد قائلان به این دیدگاه قرار گرفته، عبارت توفیق شریف امام عصر رضی الله عنه است:

پس بدان، همانا بین خدا و بین احدی هیچ قرابتی نیست و هرکس از اهل بیت ما مرا انکار کند، از ما نیست و راه او راه فرزندان نوح علیهم السلام است؛ اما راه عمومیم، جعفر و فرزنداناش، همانند راه برادران یوسف علیه السلام است (صدوق، پیشین، ج ۲، ص ۵۱۰؛ شیخ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۱۷۶ و ۲۹۰؛ طبرسی، بی تا: ج ۲، ص ۴۷ و اربلی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۲۴).

در تبیین این توفیق گفته شده است که حضرت، منکران خود را همانند فرزند نوح معرفی می کند؛ ولی در مورد جعفر از تعبیر برادران یوسف استفاده کرده است و این، بدان معناست که جعفر ابتدا در حق پدر و برادر خویش جفا کرد؛ ولی عاقبت از عملکرد خویش پشیمان شد و به راه حق بازگشت (غلمانی، ۱۳۹۲: ص ۷۷-۹۶). آن گونه که برادران یوسف سرانجام متنبه شدند. در پاسخ، برخی این گونه عنوان کرده اند که مراد امام علیه السلام از ذکر برادران یوسف در توفیق مزبور، اشاره به سابقه دار بودن گمراهی در فرزندان انبیا و اولیا است (کشی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۸۹) و با

استفاده از این عبارت توقیع شریف با تشبیه جعفر به برادران یوسف، جعفر را خطاکار دانسته‌اند (همان، ص ۲۹۰؛ شیخ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۲، ص ۴۸۴ و طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۹)؛ زیرا به هر دلیل، با توجه به این که عملکرد جعفر در دوره غیبت همانند گذشته بوده است؛ چندان آشکار نیست که متن توقیع، درصدد تشبیه به برادران یوسف از چه رو باشد. گویا همچنان که شیخ مفید بیان کرده است، امام در صدد توجّه دادن به این نکته است که گمراهی و ضلالت در فرزندان انبیا نیز وجود دارد (مفید، ۱۴۱۳: ص ۶۲-۶۴ و شافع مهرآبادی و احمدی کچایی، ۱۳۹۶: ص ۱۵).

از طرفی از آن جا که هیچ چیزی بی دلیل در کلام امام معصوم علیه السلام بیان نمی شود؛ می توان گفت هنگامی که از امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره جعفر و کارشکنی های وی سؤال می شود، امام عجل الله تعالی فرجه الشریف در توقیع چنین مرقوم فرمود: «مثل دشمنان ما مثل فرزند نوح است؛ اما راه عمومیم، جعفر همانند راه برادران یوسف است.» در متن این کلام، که جعفر با ادات استثنا، از پسر نوح علیه السلام تفکیک شده است؛ ممکن است کلام حضرت وجه دیگری غیر از «توّاب بودن» را شامل شود؛ از جمله: **یک.** این که پسر حضرت نوح مستقیماً با پدرش مخالفت و عناد ورزید؛ اما برادران یوسف غیرمستقیم موجب اذیت و آزار پدرشان شدند (مانند جعفر)؛

دو. پسر نوح در صف کافران (هود: ۴۲)؛ قرار گرفت و نبوّت پدرش را منکر شد؛ ولی برادران یوسف نبوّت پدرشان را منکر نشدند، مانند جعفر که هیچ گاه منکر امامت پدرش نشد؛ **سه.** جعفر و برادران یوسف هر دو بر جایگاه برادرشان نزد خداوند، حسادت کردند (حائری یزدی، ۱۴۲۳: ج ۱، ص ۱۹۹)؛

چهار. دعوی پسران یعقوب و جعفر بر سر جانشینی بود؛ ولیکن دعوی پسر نوح مسئله جانشینی نبود، بلکه انکار نبوّت بود؛ **پنج.** شباهت دیگر جعفر بن علی و برادران یوسف این است که هر دو آن ها در درونشان می دانستند که برحق نیستند؛

شش. فرزند نوح در آخر با عذاب الاهی از دنیا می رود و در جرگه کافران قرار می گیرد (همان)؛ اما برادران حضرت یوسف به مرگ طبیعی وفات کردند. بنابراین، ممکن است منظور امام علیه السلام در توقیع، تنها اثبات انحراف در فرزندان پیامبران، یا توّاب بودن جعفر نباشد، بلکه منظور نکاتی باشد که به آن ها اشاره شد.

البته در توقیع شریف قید «و فرزندان او» وجود دارد که مورد غفلت نویسنندگان واقع شده است؛ چرا که برخی از فرزندان جعفر به زیدیه پیوسته و تا آخر عمر در جرگه انحراف آنان بودند و توفیق توبه پیدا نکردند.

۲. دیدگاه دیگری در مورد سرانجام جعفر وجود دارد و آن این که تمام افعال جعفر را از روی تقیه می‌داند! در کتاب «طهر مطهر» برای کارهای جعفر توجیهی آمده است، مبنی بر این که جعفر برای حفظ جان امام زمانش و دفع ظلم و فشار از بیت امام، این اعمال را انجام می‌داد تا دستگاه حاکم از محاصره بیت و تجسس در مورد «مهدی موعود» دست بردارد و دیگر متعرض امام و اهل بیت ایشان نگردد؛ و لذا وقتی این احتمال رفع شد، جعفر از اعمال خود و تقیه‌اش دست کشید (رفیعی، ۱۳۹۵). این توجیه در هیچ منبعی نیامده و از اختصاصات کتاب مذکور است.

۳. اما در مقابل دیدگاه دوم، برخی معتقدند که جعفر تا پایان عمر همچنان بر انحراف خود باقی بود تا زمانی که درگذشت و هرگز توفیق توبه نیافت؛ چرا که در هیچ منبعی بر توبه جعفر بن علی تصریح نشده است.

استدلال این گروه بر روایاتی است که بر انحراف جعفر تصریح دارد. اگر قائلان به توبه جعفر به این توقیع استدلال می‌کنند، استدلال گروه دوم، به روایت امام هادی علیه السلام است که حضرت فرمودند: «از پسر من، جعفر اجتناب کنید، او برای من به منزله پسر نوح است» (معروف الحسینی، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۵۳۴ و خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۱-۳۸۲) و همچنین در جایی دیگر چنین فرمودند: «همانا جعفر دشمن است؛ اگر چه فرزند من است... از تعالیم دین خارج شده است و زیر بار فرمان من نیست» (خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۱-۳۸۲) و روایت دیگر (مسعودی، ۱۳۶۲: ص ۲۳۹؛ صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۲۱؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۲۶ و ابن عبد الوهاب بی تا: ص ۱۳۲). علاوه بر این سه روایت، روایات متعدد دیگری دال بر ضلالت و گمراهی جعفر از چند امام صراحتاً عنوان شده است؛ از جمله امام سجاد علیه السلام (طبرسی، ۱۴۰۳: ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵ و صدوق، ۱۳۹۵: ج ۱، ص ۳۱۹-۳۲۰؛ طبرسی، بی تا: ج ۲، ص ۲۴۸؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ج ۴، ص ۲۷۲ و راوندی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۲۶۸-۲۶۹)؛ امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام (خصیبی، ۱۴۱۱: ص ۳۸۲) و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الصوف (صدوق، ۱۳۶۱: ص ۶۵؛ طوسی، ۱۴۱۱: ص ۲۸۷، ح ۲۴۶؛



طبرسی، بی تا: ج ۲، ص ۴۶۸ و اربلی، ۱۳۸۲: ص ۱۰۲۴) که در این توقیع، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دیگر سخن از برادران یوسف نیست تصریح بر گمراهی است. بنابراین، چندین روایت از پنج معصوم بر گمراهی جعفر تصریح دارند؛ اما در مقابل، یک عبارت دو سویه وجود دارد که احتمال توبه در یک طرف نهفته هست. لذا از باب «لاتنقض الیقین بالشک ابداً» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ج ۱، ص ۱۷۴-۱۷۵)؛ نمی توان توفیق توبه را در مورد جعفر محتمل دانست.

بنابراین، دیدگاه اول و دوم که پایه آن احتمالی بیش نیست طرد و دیدگاه سوم که بر تصریح کلام امامان معصوم علیهم السلام مبتنی است و گویای یقین بر انحراف جعفر است؛ پذیرفته می شود. اضافه کنیم بر این مطلب، عدم تصریح بر توبه جعفر تا آخر عمر در منابعی که حاکی از تثبیت انحراف وی است.



نتیجه‌گیری

«جعفر بن علی»، مشهور به «ابوعبدالله» و ملقب به «جعفر کذاب» پسر دهمین امام شیعیان، امام هادی علیه السلام است. درباره سال تولد وی اختلاف دیدگاه وجود دارد. وی در سامرا به دنیا آمد. از سال‌های نخستین دوران زندگی‌اش اطلاعی در دست نیست. جعفر بن علی برخی از احکام و عقاید اسلامی را آشکارا زیر پا می‌گذاشت و با این روی گردانی، موجب گمراهی و تحیر برخی مردم شد. در مورد شخصیت وی دیدگاه مثبت و منفی وجود دارد:

۱. جعفر منحرف بود، ولی توبه کرد؛ ۲. جعفر از ابتدا گمراه نبود، بلکه به خاطر حفظ جان امام زمان علیه السلام خود را به انحراف زده بود؛ ۳. جعفر منحرف بود و تا آخر عمر در انحراف خویش باقی ماند.

جعفر به خاطر شرافت خانوادگی و این که تنها بازمانده خاندان نبوت و امامت بود؛ با سرپیچی از پذیرش امامت حضرت ولی عصر علیه السلام؛ روی گردانی گروهی از شیعیان در اعتقاد به امامت حضرت را باعث شد. سرانجام به نقلی در سال ۲۷۱ ق در شهر سامرا درگذشت و در کنار قبر پدر بزرگوار و برادر گرامی‌اش به خاک سپرده شد.

به زعم نگارندگان این پژوهش (مستند به منابع) و تحلیل آنچه در مورد سیر زندگی جعفر، به ویژه پس از شروع غیبت صغرا عنوان شده است؛ جعفر همچنان بر انحراف خود از مسیر امامت و ولایت و حتی انحراف از احکام اسلامی استمرار داشت و متأسفانه نتوانست به عرصه توبه راهی بگشاید و به همین دلیل شرافت ذاتی خود از خاندان ولایت را زیر پا نهاد.



منابع

قرآن کریم

۱. ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (۱۴۰۸ق). **مقاتل الطالبیین**، مترجم: سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، صدوق.
۲. ابن بابویه، علی بن الحسین (۱۴۰۴ق). **الامامة والتبصرة من الحيرة**، قم، مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۳. ابن حیون المغربي، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق). **دعائم الاسلام**، محقق: آصف فیضی، قم، مؤسسه آل البيت ع علیهم السلام.
۴. ابن رشد قمی، ضامن (۱۳۷۸). **تحفه الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة اطهار**، تهران، دفتر نشر میراث مکتوب.
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹). **المناقب**، قم، انتشارات علامه.
۶. ابن عبد الوهاب، حسین (بی تا). **عیون المعجزات**، قم، مکتبه الداوری.
۷. ابن عنبه، احمد بن علی (۱۴۳۰ق). **عمدة الطالب الصغری فی نسب آل ابی طالب**، محقق: سید مهدی رجایی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۸. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۲). **کشف الغمه فی معرفة الائمة**، مترجم: علی زواره ای، تهران، انتشارات الاسلامیه.
۹. اشعری، سعد بن عبدالله (۱۳۶۱). **کتاب المقالات والفرق**، محقق: محمدجواد مشکور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. امین، محسن (۱۴۰۶ق). **اعیان الشیعه**، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۱۱. امینی، عبدالحسین (۱۴۲۶ق). **الغدیر**، مترجم: زین العابدین قربانی لاهیجی، قم، مرکز الدراسات الاسلامیه.
۱۲. بحرانی، عبدالله (۱۳۸۲). **عولم العلوم والمعارف والاحوال من الايات والاکبار والاقوال**، محقق: محمدباقر موحد، قم، مؤسسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۶). **تصنیف غرر الحکم و درر الکلم**، محقق: مصطفی درایتی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.



۱۴. جعفریان، رسول (۱۳۷۸). *حیات فکری و سیاسی امامان شیعه*، قم، انصاریان.
۱۵. حائری یزدی، علی (۱۴۲۳ق). *الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب (عجل الله تعالی فرجه الشریف)*، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۶. حبیب آبادی، محمدعلی (۱۳۵۱). *مکارم الآثار فی احوال الرجال*، اصفهان، نفائس مخطوطات اصفهان.
۱۷. حرعاملی، محمدین حسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*، قم، موسسه آل البيت (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۱۸. خصیبی، حسین بن حمدان (۱۴۱۱ق). *الهدایة الکبری*، بیروت، مؤسسه البلاغ.
۱۹. خویی، ابوالقاسم (۱۴۰۳ق). *معجم رجال الحدیث*، دارالزهرا، بیروت.
۲۰. راوندی، قطب الدین بن سعد (۱۴۰۹ق). *الخرائج الجرائح*، قم، مؤسسة الامامة المهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۲۱. رفیعی، سید جعفر (۱۳۹۵). *طهر مطهر*، قم، یاران قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف).
۲۲. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹م). *الاعلام*، بیروت، العلم للملایین.
۲۳. سلیمی زارع، مصطفی (پاییزوزمستان ۱۳۸۷). «*روایات علی بن ابی حمزه بطائنی بین رد و قبول*»، مجله علوم قرآن و حدیث، شماره ۸۱، ص ۱۱۱-۱۳۴.
۲۴. شافع مهرآبادی، حسین و احمدی کچایی، مجید (تابستان ۱۳۹۶). «*کاوشی در بازشناسی شخصیت جعفرین علی الهادی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)*»، مجله پژوهش های مهدوی، شماره ۲۱.
۲۵. شهرستانی، محمدبن عبدالکریم (۱۳۶۱). *الملل والنحل*، مترجم: مصطفی خالقداد هاشمی و مصحح: سیدمحمدرضا جلالی نایینی، تهران، انتشارات اقبال.
۲۶. شوشتری، محمد تقی (۱۴۱۰ق). *قاموس الرجال*، قم، مؤسسه النشر الاسلامیه.
۲۷. صدر، محمد (۱۴۱۲ق). *تاریخ الغیبه*، بیروت، دارالتعارف.
۲۸. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۵ق). *کمال الدین و تمامه النعمه*، مترجم: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیه.
۲۹. _____ (۱۳۶۱ق). *معانی الاخبار*، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. _____ (۱۳۷۷). *المقنع*، تهران، المكتبة الاسلامیه.
۳۱. _____ (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*، محقق: علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۳۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۳ق). *اعلام الوری بأعلام الهدی*، مشهد، نشر مرتضی.
۳۳. طبرسی، احمد بن علی (بی تا). *احتجاج علی اهل اللجاج*، قم، اسوه.
۳۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۶۳). *دلائل الامامه*، قم، منشورات الرضی.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۲۵ق). *الغیبه*، قم، موسسه المعارف الاسلامیه.
۳۶. _____ (۱۴۰۷ق). *تهذیب الاحکام*، محقق: حسن خراسان، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. فخررازی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *الشجره المبارکه فی انساب الطالبیه*، قم، منشورات مکتبه آیت الله العظمی المرعشی النجفی.
۳۸. قمی، شیخ عباس (۱۴۰۴ق). *سفینه البحار*، قم، اسوه.
۳۹. _____ (۱۳۷۹). *منتهی الآمال فی تواریخ النبی وآلال*، قم، دلیل ما.
۴۰. عرشی، حسین (۱۹۳۹م). *بلوغ المرام فی شرح مسک الختام*، به کوشش ماری کرملی انستانس، قاهره، مکتبه الثقافه الدینیّه.
۴۱. العمری (العلوی)، علی بن محمد (۱۳۸۰). *المجدی فی انساب الطالبین*، محقق: احمد مهدوی دامغانی، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
۴۲. عیاشی، محمد بن مسعود (بی تا). *تفسیر عیاشی*، محقق: هاشم رسولی محلاتی، تهران، المطبعه العلمیه.
۴۳. غلمانی، قدرت الله (بهار ۱۳۹۲). «بررسی شخصیت و عملکرد جعفر بن علی الهادی علیه السلام»، مجله اسلام بیزوهان، شماره ۳.
۴۴. کشی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق). *اختیار معرفه الرجال*، محقق: حسن مصطفوی، مشهد، مؤسسه نشر دانشگاه مشهد.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی*، تهران، انتشارات اسلامیه.
۴۶. مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۳). *بحار الانوار*، تهران، اسلامیه.
۴۷. محمد جعفری، سید حسین (۱۳۸۶). *تشیع در مسیر تاریخ*، مترجم: سید محمد تقی آیت اللهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). *دانشنامه امام مهدی علیه السلام*، به کوشش جمعی از محققان، قم، موسسه دارالحدیث.

۴۹. مدرسی طباطبایی، سیدحسین (۱۳۸۸). *مکتب در فرآیند تکامل*، مترجم: هاشم ایزدپناه، تهران، کویر.
۵۰. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۶۲). *اثبات الوصیه للامام علی بن ابیطالب*، مترجم: محمد جواد نجفی، تهران، انتشارات اسلامیة.
۵۱. معروف الحسینی، هاشم (۱۳۷۰). *سیره الائمه الاثنی عشر*، مترجم: محمد رخشنده، تهران، امیرکبیر.
۵۲. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق الف). *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، قم، نشر کنگره شیخ مفید.
۵۳. _____ (۱۳۶۰). *ده انتقاد و پاسخ پیرامون غیبت امام مهدی علیه السلام*، مترجم: محمدباقر خالصی، تهران، انتشارات امام.
۵۴. _____ (۱۴۱۳ق ب). *الفصول المختارة*، قم، کنگره شیخ مفید.
۵۵. نوبختی، ابوالسهل اسماعیل بن علی (۱۹۶۹م). *فرق الشیعة*، مترجم: محمد جواد مشکور و محقق: محمدصادق آل بحر العلوم، نجف، بی نا.

